

# مقایسه ویرانه‌های خسر و پرویز



## ۱. وجوه اشتراک شخصیت‌های هر دو داستان

در هر دو داستان شخصیت‌ها و قهرمانان آن‌ها تا حدود بسیار زیادی شبیه هم هستند. در این جا به ذکر چند مورد آن‌ها می‌پردازیم.

### ۱-۱ رامین و خسرو پرویز

رامین و خسرو پرویز هر دو از نظر شراب‌خواری، زود رنجی، خوش گذرانی و عیاشی شبیه هم‌اند. آن‌ها در خوردن شراب افراط می‌ورزند و هر دو عاشق موسیقی‌اند. رامین همواره در صدد کام‌جویی از ویس است و خسرو نیز در هر برخورد منتظر فرصتی برای کام‌جویی از شیرین است. ویس و رامین با هم پیمان می‌بندند که نسبت به هم وفادار باشند، ولی رامین از ویس دل‌آزرده می‌شود که چرا وقتی به جای موبد تکیه زده ویس بر او خرده گرفته است. هم‌چنین رامین به راحتی عهد و پیمان خود را فراموش می‌کند و با «گل»، دختر «رفیدا» ازدواج می‌کند؛ هر چند این ازدواج دیری نمی‌پاید. خسرو هم برخلاف عهد و پیمان خود با شیرین، با شکر اصفهانی ازدواج می‌کند. هر دوی آن‌ها به این وسیله خواسته‌اند، نسبت به معشوق خود، یک اهرم فشار باشند.

### ۱-۲ ویس و شیرین

ویس و شیرین از نظر پایداری در عشق، وفاداری و بردباری مثل هم هستند، به گونه‌ای که هر دوی آن‌ها تا پایان عمر بر عهد و پیمان خود وفادارند و حتی در لحظه‌ی مرگ هم در کنار همسر خود می‌مانند. با توجه به داستان نظامی درمی‌یابیم که وی سعی بر آن داشته است که شخصیت شیرین را براساس شخصیت ویس (ولی عفیف‌تر) بسازد.

### ۱-۳ دایه و شاپور

دایه و شاپور هر دو بین عاشق و معشوق نقش‌آفرین و عامل ایجاد عشق آن‌ها و هر یک مشخصه‌ای شبیه هم دارند. دایه پیرزنی چرب‌زبان، مکار و جادوگر است و با چرب‌زبانی بسیار ویس را به آشنایی با رامین تشویق می‌کند و به او می‌فهماند که زن برای مرد آفریده شده است:

خدای ما سرشت ما چنین کرد

که زن را نیست کامی خوش‌تر از مرد

## چکیده

در این مقاله وجوه اشتراک و اختلاف شخصیت‌های هر دو منظومه‌ی عاشقانه‌ی «ویس و رامین» و «خسرو و شیرین» به تفکیک و به اختصار بررسی و در پایان جمع‌بندی شده است.

## کتابخانه

اسعد گرگانی، نظامی، ویس و رامین، خسرو و شیرین، دایه و شاپور، موبد و فرهاد، شهرو و مهین بانو.



شکوه برادران  
کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی  
و مدرس مراکز پیش‌دانشگاهی  
تربیت‌معلم و فنی حرفه‌ای اراک

از درون روزنه‌ای بر بالای بام یا اسب رامین، بین ویس و رامین گفت‌وگویی صورت می‌گیرد و هرکدام به دیگری پاسخ می‌دهند. بین خسرو و شیرین نیز همین صحنه تکرار می‌شود و آن‌ها از بالای بام با هم سخن می‌گویند و به یکدیگر پاسخ می‌دهند. علاوه بر این، نظامی که هم‌چنان اثر اسعد گرگانی را مد نظر دارد، در بسیاری از صحنه‌ها آن را سرمشق قرار می‌دهد و مشابه‌سازی می‌کند.

## ۲. وجوه تمایز شخصیت‌ها و قهرمانان و فضای فیزیکی

### ۱-۲ رامین و خسرو

«شخصیت رامین، زنده‌تر و جان‌دارتر است از شخصیت خسرو. عاشقی رامین زیننده‌تر است. او جوانی است دلیر از اطرافیان موبد که کاری خاص به وی محول نیست. دسترسی به حرمسرا و کنیز و زن هم ندارد. دختری جوان را، که همسرش پیر و فرتوت است، می‌بیند و بر یکدیگر دل می‌بازند.» (غلامرضایی، ۱۳۷۰: ۲۰۵)، بنابراین این عشق و عاشقی طبیعی‌تر می‌نماید. اما خسرو برعکس رامین، پادشاهی قدرتمند است که بر کشور پهناور حکومت دارد، زنباره است، حرمسرا دارد و رقیبی سرسخت مثل موبد ندارد و خود یکه‌تاز میدان عشق است (همان: ۲۰۵).

### ۲-۲ ویس و شیرین

شیرین پاکدامن‌تر از ویس است، زیرا قبل از ازدواج با خسرو، هرگز دل به عشق دیگری نداده است. حتی مهین‌بانو او را نصیحت می‌کند که بدون ازدواج به دام خسرو نیفتد:

*گر این صاحب جهان دل‌داده‌ی توست*

*شکاری بس شگرف افتاده‌ی توست*

*ولیکن گرچه بینی ناشکیبش*

*نبینم گوش داری بر فریشش*

*نباید کز سر شیرین زبانی*

*خورد حلوی شیرین رایگانی*

*فرو ماند تو را آلوده‌ی خویش*

*هوای دیگری گیرد فرایشش*

*چنان زی با رخ خورشید نورش*

*که پیش از نان نیفتی در تنورش...*

*تو خود دانی که وقت سر فرازی*

*ز ناشویی به است از عشق بازی*

(آیتی، ۱۳۷۰: ۲-۲۰۱)

اما ویس قبل از ازدواج با رامین عاشق و دل‌داده و همسر «ویرو» بوده است و چندان عفت و پاکدامنی شیرین را نداشته است. با توجه به داستان نظامی چهره‌ی ویس منفی ولی چهره‌ی شیرین مثبت است و در جایی نظامی صریحاً از قول مهین‌بانو که شیرین

و در بزم موبد که همه‌ی بزرگان حضور دارند رامین را به ویس نشان می‌دهد و رامین با زبان موسیقی با معشوقش سخن می‌گوید. شاپور که نقاشی ماهر است، تصویر خسرو را نقاشی می‌کند و در گردشگاه شیرین قرار می‌دهد و شیرین با دیدن تصویر عاشق صاحب آن می‌شود.

## در هر دو داستان شخصیت‌ها و قهرمانان آن‌ها تا حدود بسیار زیادی شبیه هم هستند

### ۴-۱ موبد و فرهاد

موبد و فرهاد رقیب خسرو و رامین بودند. موبد رقیبی است بسیار قدرتمند که برای ویس و رامین مشکلات فراوانی ایجاد می‌کند و حضورش در این صحنه بسیار طولانی است، هرچند شخصیت اصلی منظومه محسوب نمی‌شود. فرهاد رقیب خسرو است. البته توانمندی وی در این رقابت بسیار کم‌تر از خسرو است و مدت زمان کوتاهی رقیب اوست. در عین حال، خسرو از وجود فرهاد احساس ناامنی می‌کند و روحش ناآرام است.

### ۴-۲ شهر و مهین‌بانو

شهر و از زنان بزرگان است. شوهرش قارن نامدار است و خود و پسرش ویرو صاحب دم و دستگاه پادشاهی‌اند و سرنوشت دخترش به دست اوست. مهین‌بانو عمه‌ی شیرین است که در واقع بهترین راهنمای اوست و در تمام موارد شیرین را نصیحت می‌کند و در سرنوشت شیرین اثرگذار است.

### ۵-۱ دایه و مادرخوانده‌ی شیرین (عجوز)

زمانی که موبد به خواب فرو رفته است ویس به نزد رامین می‌رود و دایه را به جای خود نزد او می‌فرستد. شیرین نیز، در شب زفاف زمانی که خسرو به حال خود نبوده و از فرط شراب‌خواری و مستی قدرت درک و آگاهی خود را از دست داده است، عجوز (مادرخوانده خود) را نزد خسرو می‌فرستد. به این ترتیب دایه و عجوز شخصیت و رسالتی مشابه دارند.

نظامی که هم‌چنان اثر اسعد گرگانی را مد نظر دارد، در بسیاری از صحنه‌ها آن را سرمشق قرار می‌دهد و مشابه‌سازی می‌کند

### ۶-۱ فضای فیزیکی گفت‌وگو

در داستان ویس و رامین، وقتی که رامین از گوراب برمی‌گردد

را اندرز می‌دهد می‌گوید:

وگر در عشق بر تو دست یابد  
تو را هم غافل و هم مست یابد  
چو ویس از نیک‌نامی دور گردی

به زشتی در جهان مشهور گردی (حاکمی، ۱۳۶۹: ۱۰۲)

### ۳-۲ شخصیت زن

در این دو داستان، شخصیت زن بسیار متفاوت است.

در داستان ویس و رامین، زن موجودی است که برای کام‌جویی مرد آفریده شده و در بند زنانگی خود گرفتار است. ناقص العقل است و در برابر برآورده شدن کام خویش نام و ننگ را بر باد می‌دهد. به‌سادگی از مرد فریب می‌خورد و مرد پس از کام‌جویی از او رهایش می‌کند و او می‌ماند و سرزنش‌های دیگران.

فخرالدین اسعد گرگانی در جای دیگر می‌گوید اگر به حرف زنان گوش فرادهیم باعث مصیبت و گرفتاری است:

نو دیگر من به بد روزی نشستم

که گفتار زنان در کار بستم

(آیتی، ۱۳۷۰: ۲۹)

### با توجه به داستان نظامی چهره‌ی ویس منفی ولی چهره‌ی شیرین مثبت است

در صورتی که نظامی در داستان خود سعی بر آن داشته است که هویت و شخصیت از دست رفته‌ی زن را بار دیگر احیا کند و زن در نظر او موجودی پشتیبان مرد، شریک زندگی، یار و یاور و عامل تحکیم اساس زندگی است نه وسیله‌ی کامرانی مرد. وی برای زن مقام والایی قایل است. زن را بازیچه‌ی مرد و وسیله‌ی لذت‌جویی او نمی‌داند بلکه در وجود زن انسان را سراغ می‌گیرد. شیرین در عین حال که نمی‌خواهد هوس خسرو را برآورد، به شیرویه‌ی تخت‌نشین هم تمکین نمی‌کند و در کفن شوهر جان می‌بازد.

### ۴-۲ ازدواج با گل و شکر اصفهانی

ازدواج رامین با گل و ازدواج خسرو با شکر اصفهانی نیز با هم بسیار متفاوت است. ازدواج رامین با گل تا حدودی طبیعی به نظر می‌رسد، زیرا همه او را از عشق به «ویس» سرزنش می‌کنند و او آوارگی و دربه‌دری زیادی متحمل می‌شود. حتی به او می‌گویند به‌دنبال زیبا روی دیگری برو، در دنیا زیبارویان فراوان‌اند و سخنانی از این قبیل. در نتیجه، ازدواج رامین با گل قابل دفاع است. پیش‌تر صحنه‌ها و رویدادها روال طبیعی خود را دنبال می‌کنند. در صورتی که خسرو بی‌هیچ دلیل، از بزرگان نشان زیبارویی را سراغ می‌گیرد، که سرانجام شکر اصفهانی را به او معرفی می‌کنند و به ازدواج با او منجر می‌شود.

بدیهی است داستان شکر اصفهانی چندان ربطی به ماقبل داستان

ندارد و فقط نظامی در پایان داستان این توضیح را می‌دهد که:

به شکر، عشق شیرین خار می‌کرد

شکر شیرینی‌ای بر کار می‌کرد (همان: ۳۰۱)

### اثر نظامی به دلیل داشتن عفت کلام و رعایت مسائل اخلاقی و فرهنگی بیش‌تر از منظومه‌ی اسعد گرگانی مورد توجه عموم قرار گرفته است

### نتیجه‌گیری

با این‌که در منظومه‌ی ویس و رامین و داستان‌هایی که پیش از نظامی در مشرق‌زمین نوشته شده، همیشه تمثال زن در طرحی منفی نمایانده شده است، اما نظامی، این شاعر توانمند فارسی، با سرودن منظومه‌ی خویش به زن جلوه‌های مثبت می‌دهد و نه تنها زیبایی و جمال ظاهری وی، بلکه ابعاد معنوی او را نیز، که بسیار شایان توجه است، وصف می‌کند.

هرچند نظامی در آفریدن شخصیت‌های خود از منظومه‌ی فخرالدین اسعد گرگانی الهام پذیرفته ولی روش کار او به گونه‌ای است که حتی قهرمانان منظومه‌ی او رنگ و طرحی تازه می‌یابند و این نشانگر ابداع و نوآوری اوست. در داستان‌پردازی، با آن‌که در آن دوران، داستان‌های بزمی و غنایی مورد توجه بسیاری از مردم بوده، اثر نظامی به دلیل داشتن عفت کلام و رعایت مسائل اخلاقی و فرهنگی بیش‌تر از منظومه‌ی اسعد گرگانی مورد توجه عموم قرار گرفته است. وی سعی می‌کند موضوع عشق را بسیار وسیع و با مضمونی فلسفی بیان کند و در این مورد بسیار مقتدرانه عمل نموده است.

### منبع

۱. اسعد گرگانی، فخرالدین، ویس و رامین، (خلاصه‌ی داستان)، به کوشش اسماعیل حاکمی، ج ۴، ۱۳۶۹. ۲. خانلری (کیا)، زهرا، فرهنگ ادب فارسی، توس، ج ۳، ۱۳۶۶. ۳. شمیسا، سیروس، انواع ادبی، تهران، فردوس، ج ۲، ۱۳۷۳. ۴. غلامرضایی، محمد، داستان‌های غنایی منظوم، انتشارات خرداد، ج ۱، ۱۳۷۰. ۵. مبارز، ع، قلی‌زاده، م، سلطان، م، زندگی و اندیشه‌های نظامی، برگردان، ح. م. صدیق، توس، ج ۲، ۱۳۶۰. ۶. نظامی گنجه‌ای، کلیات خمس (خسرو و شیرین)، سپهر، ج ۴، تهران، ۱۳۶۶. ۷. نظامی گنجوی، گزیده‌ی داستان خسرو و شیرین، به کوشش عبدالحمید آیتی، ج ۳، ۱۳۷۰. ۸. یغمایی، اقبال، هوس‌نامه‌ی خسرو و شیرین، توس، ج ۱، ۱۳۷۲.